



اعتبارسنجی روایات تعدد ارواح انسان در الکافی

محمدحسین منتظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲

محمد روحانی^۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

در مراجعه اولیه به پاره‌ای از روایات امامیه علاوه بر تأکید بر دو بُعد روح و بدن داشتن انسان، مشاهده می‌شود که از چند روح برای یک انسان سخن به میان آمده است که هر روح، کارکردی خاص دارد. در میان کتاب‌های حدیثی متقدم امامیه، روایات مربوط به ارواح مختلف انسان در ابواب مختلف دو کتاب بصائر الدرجات و الکافی بیشتر از سایر مجامع حدیثی نقل شده است. در این نوشتار به دلیل قابل اعتمادتر بودن الکافی و نیز نقل تعداد قابل توجهی از روایات تعدد ارواح آن هم با مضامین متنوع‌تر در مقایسه با سایر نگاهشده‌های حدیثی متقدم در آن، به ارزیابی متنی، سندی و جریان‌شناختی راویان این روایات در الکافی پرداخته و این پرسش پی گرفته شده است که چه تعداد از این روایات در الکافی روایاتی معتبر شمرده می‌شوند و کدام مضامین، مشترک و کدام منفردند؟ در این پژوهش نشان داده شد که غالب مضامین روایات تعدد ارواح در الکافی منفرد نبوده و جریان‌های حدیثی مختلف مدرسه کوفه و قم در طریق نقل این روایات قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

تعدد ارواح، الکافی، اعتبارسنجی، جریان‌شناسی، مضمون منفرد.

۱. استادیار گروه فلسفه پردیس فارابی دانشگاه تهران و عضو پیوسته انجمن کلام اسلامی حوزه علمیه قم

(montazery.hosein@ut.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد کلام امامیه پردیس فارابی دانشگاه تهران (rohanimohammad@gmail.com)

مقدمه

مباحث انسان‌شناختی در روایات امامیه به طور خاص مورد بحث قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام، یکی از دیدگاه‌های مطرح در امامیه، نفی جسم‌انگاری و روح‌انگاری محض و اثبات دو بعد روح و بدن برای انسان بود (اشعری، ۲۰۰۵، ۶۰) که در روایات ائمه علیهم‌السلام نیز به آن اشاره شده است. این دیدگاه معتقد است که انسان علاوه بر جسم، دارای روح نیز است (سبحانی، ۱۳۹۵، ۱۳-۱۶ و محمودی، ۱۳۹۴).

علاوه بر مسئله دوگانه‌انگاری روح و بدن انسان، در مراجعه اولیه به روایات، مشاهده می‌کنیم که از چند روح برای یک انسان سخن به میان آمده است که هر روح، کارکرد خاصی برای انسان دارد؛ همچنین تعداد ارواحی که برای انبیاء علیهم‌السلام، ائمه علیهم‌السلام، مؤمنان و کفار نام برده شده، با یکدیگر متفاوت است. برخی از این ارواح عبارتند از: الروح القدیمة، روح الحیة و البقاء، روح العقل، روح القدس، روح الایمان، روح المدرج، روح البدن روح الشهوة و روح القوة.

برخی از روایات مرتبط با مسئله تعدد ارواح انسان در مجامع روایی اعتقادی - فقهی نقل شده و برخی در آثار روایی - فقهی امامیه نیز منعکس گردیده است (ر.ک: روحانی و ذاکری، ۱۳۹۹). بررسی میراث حدیثی به‌جا مانده از محدثان امامیه نشان می‌دهد که از میان کتاب‌های حدیثی متقدم، *الکافی*، علاوه بر نقل تعداد قابل‌توجهی از روایات مربوط به ارواح مختلف انسان، مضامین متنوع‌تری از این روایات را در ابواب اعتقادی و فقهی خود جای داده است.

در *الکافی*، در نگاه اول، ۳۶ روایت مرتبط با مسئله تعدد ارواح انسان به چشم می‌خورد. از بین آن‌ها، ۱۷ روایت در کتاب *الحجة*، ۹ روایت در کتاب *الایمان و الکفر*، دو روایت در کتاب *المعیشة*، یک روایت در کتاب *النکاح*، دو روایت در کتاب *العقیقة*، دو روایت در کتاب *الأشربة*، یک روایت در کتاب *الدبایات* و دو روایت در کتاب *الروضه آمده* است. در ادامه ابواب این روایات مشخص شده است.

تعداد روایت	باب	کتاب
۱	بابُ فِي أَنَّ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزْدَادُونَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ	کتاب الحجة
۱	بابُ التَّفْوِيزِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ فِي أَمْرِ الدِّينِ	
۳	بابُ فِيهِ ذِكْرُ الْأَرْوَاحِ الَّتِي فِي الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ	
۶	بابُ الرُّوحِ الَّتِي يَسُدُّ اللَّهُ بِهَا الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ	
۱	بابُ مَوَالِيدِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ	
۱	بابُ خَلْقِ أَبْدَانِ الْأَئِمَّةِ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ عَلَيْهِ	
۳	بابُ فِي الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ أَنَّهُمْ إِذَا ظَهَرَ أَمْرُهُمْ حَكَمُوا بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ وَ لَا يُسْأَلُونَ التَّيْبَةَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الرِّضْوَانُ)	
۱	بابُ مَوْلِدِ النَّبِيِّ ﷺ وَ وَفَاتِهِ	
۲	بابُ فِي أَنَّ السَّكِينَةَ هِيَ الْإِيمَانُ	
۱	بابُ أَنَّ لِقَلْبِ أَذْنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَ الشَّيْطَانُ	
۱	بابُ الرُّوحِ الَّذِي أُبْدِيَ بِهِ الْمُؤْمِنُ	
۵	بابُ الْكِبَائِرِ	
۲	بابُ الْإِجْمَالِ فِي الطَّلَبِ	کتاب المعيشة
۱	بابُ الْغَيْرَةِ	کتاب النکاح
۲	بابُ بَدْءِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ وَ تَقْلِبِهِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ	کتاب العقیقة
۱	بابُ أَصْلِ تَحْرِيمِ الْخَمْرِ	کتاب الأشربة
۱	بابُ شَارِبِ الْخَمْرِ	
۱	بابُ دِيَةِ الْجَنِينِ	کتاب الذیات
۱	حَدِيثُ أَبِي بَصِيرٍ مَعَ الْمَرْأَةِ	کتاب الروضة
۱	حديث الصبيحة	

(جدول ۱)

در مجموع این روایات می‌توان به طور کلی این ارواح را چنین برشمرد: روح القدس و روح من امر الرب، روح الايمان، روح القوة، روح الشهوة، روح الحياة (که روح المدرج و روح البدن نیز نامیده شده است)، الروح القديمة و روح العقل. نقل تعداد قابل توجهی از روایات، تعدد ارواح در الکافی پرسش مهمی را در برابر پژوهشگران قرار می‌دهد که وضعیت

اعتبار این گروه از اخبار در این کتاب چگونه است؟ و آیا این روایات تنها از سوی جریان خاصی از روایات امامیه صادر شده یا از مضامین مورد اتفاق در میان غالب جریان‌های حدیثی - کلامی امامیه بوده است؟

این نوشتار تلاش دارد تا از رهگذر گونه‌شناسی مضمونی این روایات، بررسی جرح و تعدیل راویان از منظر رجالیان و سپس جریان‌شناسی راویان به ارزیابی این گروه از اخبار پرداخته شود.

۱. گونه‌شناسی مضمون روایات

عموم روایات کتاب کافی را از نظر مضمون، می‌توان در پنج محور کلی دسته‌بندی کرد:

۱-۱. گروه اول: روایات ارواح پنج‌گانه انسان

در چهار روایت /کافی، ارواح خمسه برای انسان نام برده شده است. از این چهار روایت، یک روایت از امیرمؤمنان (ع) است، یک روایت از امام باقر (ع) و دو روایت از امام صادق (ع) نقل شده است. در روایت ۷۱۶ (بَابُ فِيهِ ذِكْرُ الْأَرْوَاحِ الَّتِي فِي الْأَيْمَةِ) از روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشهوه و روح المدرج سخن به میان آمده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۷۷). در روایت ۷۱۷ و ۷۱۸ (بَابُ فِيهِ ذِكْرُ الْأَرْوَاحِ الَّتِي فِي الْأَيْمَةِ)، نام روح الحیاة جایگزین روح المدرج شده است (همان، ۱: ۶۷۸ و ۶۸۰) و در روایت ۲۴۵۸ (بَابُ الْكَبَائِرِ) به جای روح الحیاة و روح المدرج از روح البدن یاد شده است (همان، ۳: ۶۹۴).

طبق روایت ۷۱۶ روح القدس، ابزار شناخت اشیا، روح الایمان، ابزار خوف از خدا و روح القوه، قدرت بخش بر اطاعت خدا است؛ همچنین روح الشهوه، میل به طاعت و کراهت از معصیت ایجاد می‌کند و روح المدرج، ابزار رفت و آمد مردم است. بنا بر روایت ۷۱۷، روح القدس ابزار شناخت امام به هر چه دون عرش است، معرفی می‌شود و طبق این روایت، از میان ارواح خمسه، تنها روح القدس است که دچار زوال و نقصان نمی‌شود.

روایت ۷۱۸ بیانگر آن است که روح الحیاة، وسیله جنبش و حرکت، روح القوه، وسیله قیام و کوشش، روح الشهوه، وسیله خوردن، آشامیدن و آمیزش، روح الایمان، وسیله ایمان و عدالت ورزیدن و روح القدس، وسیله حمل نبوت است. بنا بر این روایت، روح القدس پس از قبض روح پیامبر (ص) به امام منتقل می‌شود.

بنا بر روایت ۲۴۵۸، پیامبران الهی با روح القدس برانگیخته می‌شوند و به وسیله آن به اشیا

علم پیدا می‌کنند. طبق این حدیث، روح‌الایمان وسیله‌ایمان به خداوند و عبادت او است. روح‌القوة، یاری‌بخش انسان در مبارزه با دشمن و تأمین معاش است و روح‌الشهوة، موجب برخورداری از غذای لذیذ و آمیزش با زنان جوان می‌شود؛ همچنین روح‌البدن، موجب جنبش و حرکت آدمی است. نکته‌ی دیگر آن‌که روح‌القوة، روح‌الشهوة و روح‌البدن را میان انسان و چهارپایان مشترک می‌داند؛ بدین صورت‌که چهارپایان به کمک روح‌القوة بار حمل می‌کنند، به کمک روح‌الشهوة می‌خورند و به یاری روح‌البدن حرکت می‌کنند.

۲-۱. روایات ویژگی‌های روح‌القدس و کارکرد آن

در روایت ۶۹۷ (بَابُ التَّفْوِیضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ...) از امام صادق (ع)، پیامبر یاری‌شده به وسیله روح‌القدس معرفی می‌شود که نتیجه‌ی این یاری، نبود لغرش و خطا در پیامبر است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۶۲). این روح که بنا بر روایت ۱۰۱۶ (بَابُ خَلْقِ أَبْدَانِ الْأَيِّمَةِ وَأَزْوَاجِهِمْ وَقُلُوبِهِمْ) خلقتی خاص دارد (همان، ۲: ۲۹۹)، در روایات ۱۰۴۲، ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ (بَابُ فِي الْأَيِّمَةِ أَنَّهُمْ إِذَا ظَهَرَ أَمْرُهُمْ حَكَمُوا بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ...)، یکی از منابع علم امام برای حکم کردن شمرده شده است (همان، ۲: ۳۲۳؛ همان، ۲: ۳۲۳؛ همان، ۲: ۳۲۴).

بنا بر روایت ۱۲۰۱ (بَابُ مَوْلِدِ النَّبِيِّ وَ وَفَاتِهِ) خلقت نوری پیامبر و انمه (ع)، مؤید به روح‌القدس بوده و این تأیید، موجب عبادت خداوند متعال شده است (همان، ۲: ۴۴۲). روایات ۸۴۰۲ و ۸۴۱۰ (بَابُ الْأَجْمَالِ فِي الطَّلَبِ) نیز بیانگر آن است که روح‌القدس، مطلب خاصی را به ذهن پیامبر (ع) انتقال داده و ایشان را آگاه کرده است (همان، ۹: ۵۴۸ و ۵۵۴).^۱ همچنین گزارش ۱۴۸۹۰، بیانگر همراهی روح‌القدس با برخی مؤمنان است. بنا بر این روایت، حمایت از اهل‌بیت موجب همراهی روح‌القدس با انسان می‌شود (همان، ۱۵: ۲۵۲). از میان مصادر متقدم، این گزارش در رجال کشی نیز با اختلافی در سند نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۷، ح ۳۶۵).

۳-۱. روایات ویژگی‌های روح من امر الرب

در روایات ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲ و ۷۲۳ (بَابُ الرُّوحِ الَّتِي يَسُدُّ اللَّهُ بِهَا الْأَيِّمَةَ)، امام

۱. در برخی روایات مشابه، این کار به روح‌الامین نسبت داده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ۳: ۱۸۸، ح ۱۶۲۱ و ۵۴۶: ۹، ح ۸۴۰۰).

صادق علیه السلام در تفسیر دو آیه «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا» و «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»، این روح را خلقی بزرگتر از جبرئیل و میکائیل معرفی می‌کنند که همراه پیامبر و ائمه علیهم السلام بوده و موجب علم، فهم و یاری ایشان شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۸۱-۶۸۳). در روایت ۷۲۱ از این باب، امام صادق علیه السلام خاستگاه این روح را ملکوت بیان کرده‌اند (همان، ۱: ۶۸۲)؛ همچنین بنا بر روایت ۱۰۱۶ (بَابُ خَلْقِ أَبْدَانِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَرْوَاحِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ)، خداوند دو روح به نام روح القدس و روح من امره خلق کرده و در هر نبی و ملک یکی از این دو روح را قرار داده است (همان، ۲: ۲۹۹)، البته بنا بر روایات بَابِ الرُّوحِ الَّتِي يَسُدُّ اللَّهُ بِهَا الْأَنْبِيَاءَ (روایات ۷۱۹-۷۲۳) روح من امر الرب اختصاص به پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام پس از ایشان دارد (همان، ۱: ۶۸۱-۶۸۳).

۴-۱. روایات روح‌الایمان

در روایات ۱۴۷۷، ۱۴۸۱ (بَابُ فِي أَنَّ السَّكِينَةَ هِيَ الْإِيمَانُ)، ۲۴۵۳ و ۲۴۵۹ (بَابُ الْكِبَائِرِ)، «وَ أَيْدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» در قرآن کریم، به ایمان یا روح‌الایمان تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۴۲ و ۴۳؛ همان، ۳: ۶۹۲ و ۶۹۳).^۱ طبق روایت ۲۴۰۸ (بَابُ أَنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَ الشَّيْطَانُ) روح‌الایمان، بنده را از ارتکاب گناه نهی می‌کند (همان، ۳: ۶۶۴). در دو روایت دیگر همین باب، این نهی به یک ملک نسبت داده شده و کلینی نیز تمام این روایات را در یک باب دسته‌بندی کرده است (همان، ۳: ۶۶۳ و ۶۶۴)؛ همچنین طبق روایات ۲۴۰۸ (بَابُ أَنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ يَنْفُثُ فِيهِمَا الْمَلَكُ وَ الشَّيْطَانُ)، ۲۴۱۰ (بَابُ الرُّوحِ الَّذِي أَيْدٍ بِهِ الْمُؤْمِنُ)، ۲۴۵۳، ۲۴۵۴، ۲۴۵۹ (بَابُ الْكِبَائِرِ)، ۱۰۲۸۲ (بَابُ الْغَيْرَةِ) و ۱۲۲۴۶ (بَابُ شَارِبِ الْخَمْرِ) دست‌کم دو گناه زنا و شرب خمر، موجب خروج روح‌الایمان از بدن می‌شود (همان، ۳: ۶۶۴ و ۶۶۵؛ ۳: ۶۹۲ و ۶۹۳؛ ۳: ۶۹۹؛ ۱۱: ۲۲۹؛ ۱۲: ۶۸۱).^۲ بنا بر روایت ۲۴۵۸ (بَابُ

۱. در میان مصادر متقدم، روایت ۲۴۵۳ با اختلافی بسیار اندک در سند و متن، در المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۱۰۶، ح ۹۰) و در ثواب الاعمال (صدوق، ۱۴۰۶، ۲۶۳) نقل شده است؛ همچنین در روایت دیگری، به جای سلب روح‌الایمان، به سلب ایمان تعبیر شده (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۳، ح ۲۴۵۵) و در میان مصادر متقدم این روایت در المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۱۰۷، ح ۹۳) نیز نقل شده است.

۲. روایت اخیر (۱۲۲۴۶) در میان مصادر متقدم، با همین سند در تهذیب/الاحکام (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۹: ۱۰۵، ح ۱۹۱) نیز نقل شده است.

الْكَبَائِرِ) - که پیش‌تر در دسته دوم گذشت، روح‌الایمان زمینه‌ساز بندگی خداوند برای انسان است که در نتیجه نقصان آن، انسان توان عبادت را از دست می‌دهد (همان، ۳: ۶۹۴).

۱-۵. روایات ارواح دوگانه در ضمن توضیح آغاز خلقت انسان

طبق روایت ۱۰۴۵۷ (بَابُ بَدْءِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ وَ تَقْلِبِهِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ) از امام باقر علیه السلام، نطفه انسان پس از ورود به رحم زن، ۴۰ روز در حالت تردد، ۴۰ روز در حالت علقه و ۴۰ روز در حالت مضغه است. پس از گذشت چهار ماه، خداوند توسط دو ملک، روح الحیاة و البقاء را به جنینی که پیش از آن صاحب روح‌القدیمة بوده، اعطا می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱: ۳۵۵). بنا بر این روایت، روح‌القدیمة از طریق صلب مردان و رحم زن‌ها تا زمان شکل‌گیری جنین منتقل می‌شود.

در روایت ۱۴۳۶۷ (بَابُ دِيَةِ الْجَنِينِ)، نسمة مخلقة به جنینی اطلاق شده است که استخوان و گوشت دارد، اعضای بدنش از هم تفکیک شده است و در او روح‌العقل دمیده شده است. در این حال جنین دیه کامل دارد (همان، ۱۴: ۴۷۲).^۱ در ادامه، امام سجاد در پاسخ به سؤال راوی توضیح می‌دهند که تحوّل جنین در رحم قبل از ۴ ماهگی به واسطه روحی غیر از روح‌الحیة است که بدان الروح‌القدیمة گفته می‌شود. همچنین در این روایت تصریح شده است که روح قدیم در صلب‌های مردان و رحم‌های زنان منتقل می‌شود و اگر آن روح نبود، این تحوّل رخ نمی‌داد و بر قاتل جنین نیز دیه‌ای واجب نمی‌شد.^۲ در روایت ۱۰۴۵۴ (همان، ۱۱: ۳۵۲) بیان می‌شود که نسمة غیر مخلقة، نطفه‌هایی هستند که قبل از نفخ روح‌الحیة و البقاء سقط یا عزل می‌شوند و با توجه به دو روایت قبل می‌توان فهمید این نطفه‌ها دست کم در رحم مادر واجد روح قدیم بوده‌اند. در نتیجه در این گروه از روایات بر خلاف روایات دسته نخست برای انسان دو روح ذکر کرده‌اند.

همچنین در روایت ۶۵۵ (همان، ۱: ۶۳۰) و ۱۵۰۷۵ (همان، ۱۵: ۴۸۸) به این نکته اشاره

۱. این روایت در میان مصادر متقدم، با همین سند در تهذیب‌الاحکام (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۰: ۲۸۱، ح ۳) نیز نقل شده است. در مناقب آل‌ابی‌طالب همین روایت نقل شده است و در آن به جای «روح‌العقل» از «روح‌الحیة و البقاء» نام برده شده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴: ۱۶۰).

۲. البته باید توجه داشت که در نقل این روایت اختلاف نسخه‌ای وجود دارد که بر اساس آن اختلاف، تفکیک روح‌الحیة از روح قدیم با تکیه بر این روایت ممکن نیست؛ اما با توجه به تحقیق مؤسسه دارالحدیث از الکافی و ملاحظه سایر روایات، نسخه بدل ضعیف‌تر به نظر می‌رسد.

می شود که روح امامان در شب های جمعه و روح شیعیان در هنگام خواب عروج می کند این در حالی است که آنان زنده اند و بدن همچنان واجد روح است. پس می توان گفت روح جدا شده، روحی دیگر است.

۲. بررسی سندی روایات

در این بخش نخست راویان هر حدیث به ترتیب ذکر شده، سپس ملاحظات پیرامون سند را به طور عموم بر پایه ارزیابی های رجالیان متقدم و بر مبنای اعتبارسنجی روای محور متأخران بررسی می شود.

(۱) محمد بن یحیی العطار، احمد بن ابی زاهر الاشعری، جعفر بن محمد بن مالک الفزاری الکوفی، یوسف الابزازی، المفضل بن عمر الجعفی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱: ۶۳۰، ح ۶۵۵). در افراد این سند، محمد بن یحیی العطار از راویان ثقه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳). احمد بن ابی زاهر الاشعری (همان: ۸۸)، جعفر بن محمد بن مالک الفزاری الکوفی (همان: ۱۲۲) و مفضل بن عمر (همان: ۴۱۶) از جمله روایانی هستند که از سوی رجالیان متقدم تضعیف شده اند.^۱ شخص دیگر حاضر در سند، یعنی یوسف الابزازی، مجهول است و حدیث طبق مبنای متأخرین ضعیف است.

(۲) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر، عمر بن اذینه، فضیل بن یسار، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۶۲، ح ۶۹۷).

تمام افراد حاضر در این سند، از سوی رجالیان توثیق شده اند. از این میان، ابن ابی عمیر و فضیل بن یسار، از اصحاب اجماع هستند. در نتیجه این حدیث صحیح است.

(۳) محمد بن یحیی العطار، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، حسین بن سعید، حماد بن عیسی، ابراهیم بن عمر الیمانی، جابر بن یزید الجعفی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۷۷، ح ۷۱۶).

به جز جابر بن یزید که از سوی رجالیان متقدم تضعیف شده، راویان این حدیث همگی از ثقات اند. با توجه به این که در تحقیقات برخی معاصرین (تستری، ۱۴۱۰ق، ۲: ۵۴۶؛ خوبی،

۱. اما برخی محققان معاصر، این روات را ثقه معرفی می کنند. این تحقیقات زیر نظر حجة الاسلام و المسلمین سیدجواد شبیری زنجانی انجام شده و نتایج آن در نرم افزار درایة النور منعکس شده است.

۱۳۷۲، ۴: ۳۴۴) جابر نیز توثیق می‌شود، حدیث می‌تواند صحیح دانسته شود.

۴) محمد بن یحیی العطّار، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری، موسی بن عمر بن یزید بن ذبیان، محمد بن سنان الزاهری، عمّار بن مروان البشکری، منخل بن جمیل الاسدی، جابر بن یزید الجعفی، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱: ۶۷۸، ح ۷۱۷).

این روایت به دلیل حضور منخل بن جمیل (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲۱) و محمد بن سنان (همان: ۳۲۸) در سلسله سند ضعیف است.

۵) حسین بن محمد بن عامر، معلی بن محمد البصری، ابوالفضل عبدالله بن ادريس، محمد بن سنان الزاهری، مفضل بن عمر الجعفی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱: ۶۸۰، ح ۷۱۸).

در این حدیث، علاوه بر ضعف معلی بن محمد، محمد بن سنان و مفضل بن عمر، روایت به علت عدم صراحت به وثاقت عبد الله بن ادريس (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۰۲) تضعیف شده است.

۶) عدّه من اصحابنا^۱ احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، حسین بن سعید، نصر بن سويد، یحیی بن عمران الحلبي، ابی الصلاح کنانی، یحیی ابی بصیر اسدی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۱، ۶۸۱، ح ۷۱۹).

روایان همگی از ثقات هستند و حدیث صحیح است.

۷) محمد بن یحیی العطّار، محمد بن حسین بن ابی الخطّاب، علی بن اسباط، اسباط بن سالم، معصوم (همان، ۱: ۶۸۱، ح ۷۲۰).

حدیث به دلیل حضور علی بن اسباط فطحی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۲) موثق است و سایر روایان توثیق شده‌اند.

۸) علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی بن عبید، یونس بن عبدالرحمن، عبد الله بن مسکان، یحیی ابوبصیر الاسدی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۱، ۶۸۲، ح ۷۲۱).

روایان این حدیث از ثقات‌اند و سه تن از آنان، یعنی ابوبصیر، ابن مسکان و یونس بن عبدالرحمن از اصحاب اجماع‌اند. بنابراین حدیث صحیح است.

۹) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر، ابویوب الخزاز، یحیی ابوبصیر اسدی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱: ۶۸۲، ح ۷۲۲).

همه روایات از ثقات و دو تن، یعنی ابن ابی عمیر و ابوبصیر، از اصحاب اجماع هستند. بنابراین حدیث صحیح است.

۱۰) محمد بن یحیی العطار، عمران بن موسی الزیتونی، موسی بن جعفر بن وهب البغدادی، علی بن اسباط، محمد بن الفضیل الصیرفی، ابی حمزة الثمالی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۸۳، ح ۷۲۳).

حدیث به دلیل حضور علی بن اسباط فطحی، نمی تواند صحیح باشد و موثق است، اما روایت به دلیل ضعف محمد بن الفضیل (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۳؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۰)، ضعیف دانسته شده است.

۱۱) محمد بن یحیی العطار، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، علی بن اسباط، حسین بن ابی العلاء الخفاف، سعد الاسکاف (سعد بن طریف)، امیر مؤمنان (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۶۸۴، ح ۷۲۴).

این روایت به دلیل حضور علی بن اسباط فطحی و نیز به دلیل کاملاً مورد وثوق نبودن سعد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۸) و نیز احتمال مرسل بودن نمی تواند به سادگی صحیح دانسته شود، البته این حدیث در الغارات (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۷) نیز به طور مرسل به نقل از اصبع بن نباته صحابی امیر مؤمنان علیه السلام آمده است.

۱۲) علی بن محمد علان الکلینی، عبد الله بن اسحاق العلوی، محمد بن زید الرزازی، محمد بن سلیمان الدیلمی، علی بن ابی حمزة البطائنی، یحیی ابی بصیر الاسدی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۸۷، ح ۱۰۰۶).

این حدیث به دلیل مجهول بودن عبدالله بن اسحاق العلوی و تصریح نشدن وثاقت محمد بن زید الرزازی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۸) و ضعیف بودن محمد بن سلیمان الدیلمی (همان: ۳۶۵) و واقفی بودن علی بن ابی حمزة (همان: ۲۴۹) ضعیف است، البته این حدیث در المحاسن (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۳۱۴) با سندی آمده است که قابل تصحیح است و مجاهیل مذکور در آن نیستند. حضور علی بن ابی حمزه در سند نیز می تواند مشکلی ایجاد نکند؛ زیرا اگرچه واقفی است، ولی اخذ مشایخ از او به زمان استقامتش بازمی گردد.

۱۳) علی بن ابراهیم، علی بن حسن الواسطی و محمد بن یحیی العطار، سلمة بن الخطاب، علی بن حسن الواسطی، علی بن عطیة الحنّاط، علی بن رثاب الکوفی، (رفع) امیرالمؤمنین (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۹۹، ح ۱۰۱۶).

در این سند عطف رخ داده و مرفوع است؛ همچنين به دليل حضور سلمة بن الخطاب (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۷) حديث تضعيف شده است. این حديث در بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱۹، ح ۱؛ همان: ۴۴۶، ح ۲) بدون حضور سلمة بن الخطاب در سند، به صورت مرفوعه نقل شده است.

۱۴) محمد بن يحيى العطار، احمد بن محمد بن عيسى الأشعري، حسن بن محبوب، هشام بن سالم، عمّار بن موسى الساباطي، امام صادق عليه السلام (كليني، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۲۳، ح ۱۰۴۲). این حديث به دليل حضور عمّار بن موسى الساباطي فطحی مذهب (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۳۵) موثق است، اما ساير راويان ثقه هستند.

۱۵) محمد بن يحيى العطار، احمد بن محمد بن عيسى الأشعري، محمد بن خالد البرقي، نضر بن سويد، يحيى بن عمران الحلبي، حمران بن اعين الشيباني، جعيد الهمداني، امام سجّاد (كليني، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۲۳، ح ۱۰۴۳).

این حديث به دليل مجهول بودن جعيد الهمداني، تضعيف شده است. این روايت در بصائر الدرجات نیز آمده است و بشير الدهان بين يحيى الحلبي و جعيد، واسطه است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۴۵۱، ح ۲). از این رو احتمال می رود در سند الكافي سقط رخ داده باشد.

۱۶) احمد بن مهران، محمد بن علي ابوسمينه، حسن بن محبوب، هشام بن سالم، عمّار بن موسى الساباطي، امام صادق عليه السلام (كليني، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۲۳، ح ۱۰۴۴). این حديث به دليل متهم شدن ابوسمينه به ضعف و غلو (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۱۲) تضعيف شده است.

۱۷) احمد بن ادریس القمي، حسين بن عبيدالله بن سهل القمي، محمد بن عبدالله، محمد بن سنان الزاهري، مفضل بن عمر الجعفي، جابر بن يزيد الجعفي، امام باقر عليه السلام (كليني، ۱۴۲۹ق: ۲: ۴۴۲، ح ۱۲۰۱).

این حديث به دليل مجهول بودن محمد بن عبدالله تضعيف شده است؛ همچنين حسين بن عبيدالله (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۲)، محمد بن سنان و مفضل بن عمر از سوی رجاليان متقدم، به ضعف و غلو متهم شده اند.

۱۸) محمد بن يحيى العطار، احمد بن محمد بن عيسى الأشعري، علي بن حكم الانباري، ابوحمزة ثمالی، امام باقر عليه السلام (كليني، ۱۴۲۹ق، ۳: ۴۲، ح ۱۴۷۷). همه راويان از ثقات اصحاب اند و حديث صحيح است.

۱۹) علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی بن عبید، یونس بن عبد الرحمن، جمیل بن درّاج، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۴۲، ح ۱۴۸۱).

همه راویان به جز محمد بن عیسی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۳ و طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۲) که محل اختلاف است، از ثقات هستند، با این حال صحیح دانستن حدیث رجحان دارد.

۲۰) حسین بن محمد بن عامر، احمد بن اسحاق الأشعری، سعدان بن مسلم، یحیی ابوبصیر الاسدی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۶۴، ح ۲۴۰۸).

به جز سعدان بن مسلم که به توثیق او تصریح نشده سایر راویان ثقه‌اند و با توجه به صاحب اصل بودن سعدان (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۶) حدیث می‌تواند صحیح باشد. این روایت در قرب الإسناد حمیری با سند دیگری آمده است.

۲۱) «حسین بن محمد» و «محمد بن عامر»، علی بن محمد بن سعد الأشعری، محمد بن سالم ابی سلمة، محمد بن سعید بن غزوان، عبد الرحمن بن ابی نجران، محمد بن سنان الزاهری، ابوخیجة (سالم بن مکرم)، امام کاظم (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۶۵، ح ۲۴۱۰).

این سند به دلیل مجهول بودن علی بن محمد بن سعد و تصریح نشدن به وثاقت محمد بن سعید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۲) و محمد بن سالم (همان: ۳۶۲) ضعیف است.

۲۲) محمد بن یحیی العطار، احمد بن محمد بن عیسی الأشعری، حسن بن علی بن فضال، عبد الله بن بکیر، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۲، ح ۲۴۵۳).

این حدیث به دلیل فطحی بودن عبدالله بن بکیر (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۰۴) که از اصحاب اجماع است و نیز فطحی بودن ابن فضال (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵) موثق است. نکته دیگر آن است که ابن بکیر از اصحاب جوان امام صادق علیه السلام است و ظاهراً امام باقر علیه السلام را مانند روایت کنندگان از ایشان درک نکرده است. از این رو دو احتمال در این سند به نظر می‌رسد: ۱. واسطه‌ای در سلسله سقط شده باشد که معمولاً این واسطه زراه است و مشکلی در سند ایجاد نمی‌شود و ۲. اسم امام تحریف شده باشد.

۲۳) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حماد بن عیسی، ربیع بن عبدالله بن الجارود، فضیل بن یسار، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۳، ح ۲۴۵۴).

همه راویان این حدیث از ثقات هستند؛ همچنین حماد بن عیسی و فضیل بن یسار از اصحاب اجماع‌اند. بنابراین حدیث صحیح است.

۲۴) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر، معاویه بن عمّار، صباح بن سیابة،

امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۳، ح ۲۴۵۵).

حدیث به دلیل مجهول بودن صباح بن سیابة تضعیف شده است، اما سایر روایان ثقه‌اند. (۲۵) عدّه من اصحابنا،^۱ احمد بن محمد بن خالد البرقی، محمد بن خالد البرقی، (رفعه) محمد بن داود الغنوی، اصبع بن نباتة، امیر مؤمنان (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۴، ح ۲۴۵۸). حدیث مرفوع و به دلیل مجهول بودن محمد بن داود الغنوی ضعیف است. این حدیث با سند دیگر در بصائرالدرجات آمده است (صفّار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۴۹، ح ۶).

(۲۶) علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی بن عبید، یونس بن عبدالرحمن، داود، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳: ۶۹۹، ح ۲۴۵۹).

روایت به دلیل مشترک بودن داود، در نگاه اول مجهول است، اما به جهت این که داود مشترک بین ثقات است و بیشتر توثیق شده‌اند، حدیث می‌تواند صحیح باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰: ۴۰).

(۲۷) عدّه من اصحابنا، احمد بن محمد بن عیسی الأشعری، حسین بن سعید، ابراهیم بن ابی البلاد، یحیی ابو البلاد، امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۴۸، ح ۸۴۰۲).

سند این روایت به دلیل مجهول بودن ابو البلاد تضعیف شده است. هم‌چنین لازم به ذکر است که این روایت در بصائرالدرجات با همین سند از امام صادق علیه السلام نقل شده است (صفّار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۵۳، ح ۱۱).

(۲۸) عدّه من اصحابنا، احمد بن محمد بن عیسی الأشعری، علی بن نعمان الاعلم، عمرو بن شمر الجعفی، جابر بن یزید الجعفی، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۵۴، ح ۸۴۱۰). روایت به علت حضور عمرو بن شمر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۸۷) ضعیف است.

(۲۹) «عدّه من اصحابنا، احمد بن محمد بن خالد البرقی» و «محمد بن یحیی العطار، احمد بن محمد بن عیسی الأشعری»، حسن بن محبوب، اسحاق بن جریر البجلی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱: ۲۲۹، ح ۱۰۲۸۲).

روایت با هر دو سند صحیح است. هرچند روایت از برقی به دلیل پاره‌ای از تضعیف‌ها

۱. بنا بر نقل علامه حلّی از کلینی، افراد عده «عدّه من اصحابنا» از احمد بن محمد بن خالد برقی مشخص‌اند (حلّی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۲).

(نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶) در رتبه پایین تری قرار می گیرد.

۳۰) «علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم» و «محمد بن یحیی العطار، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری»، حسن بن محبوب، محمد بن علی بن النعمان (مؤمن الطاق)، سلام بن المستنیر، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱: ۳۵۲، ح ۱۰۴۵۴).

هر دو سند این روایت به دلیل مجهول بودن سلام بن المستنیر تضعیف شده است.

۳۱) «محمد بن یحیی العطار، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری» و «علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم»، حسن بن محبوب، علی بن رئاب الکوفی، زرارة، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱: ۳۵۵، ح ۱۰۴۵۷).

روایان حاضر در هر دو سند از ثقات اند و هر دو سند صحیح است.

۳۲) «علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم» و «عدة من اصحابنا، احمد بن محمد بن خالد برقی» و «عدة من اصحابنا، سهل بن زیاد»، حسن بن محبوب، خالد بن جریر البجلی، ابی الربیع الشامی، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۶۶۰، ح ۱۲۲۲۴).

روایان کوفی این حدیث تضعیف نشده اند و با توجه به آن که حدیث توسط خط علی بن ابراهیم نیز نقل شده است، می توان حدیث را صحیح دانست؛ هر چند در طریق دیگر، سهل بن زیاد به دلیل اتهام به غلو (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵) ضعیف دانسته شود.

۳۳) «عدة من اصحابنا، سهل بن زیاد، بکر بن صالح الرازی، الشیبانی، یونس بن ظبیان، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۶۸۱، ح ۱۲۲۴۶).

این سند به دلیل مجهول بودن الشیبانی و ضعف و فساد مذهب یونس بن ظبیان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۸)، تضعیف شده است.

۳۴) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسن بن محبوب، عبدالله بن غالب الاسدی، غالب، سعید بن المسیب، امام سجّاد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۴: ۴۷۲، ح ۱۴۳۶۷).

این حدیث به دلیل مجهول بودن غالب ضعیف است، اما با توجه به توثیق عبدالله بن غالب و احتمال بالای نقل حدیث از کتاب عبدالله (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۲) از طریق حسن بن محبوب، حدیث می تواند صحیح دانسته شود.

۱. بنا بر نقل علامه حلی از کلینی، افراد عده «عدة من اصحابنا» از سهل بن زیاد مشخص اند (حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۲).

۳۵) الحسین بن محمد بن عامر الاشعری، المعلى بن محمد البصرى، الحسن بن علی الوشاء، ابان بن عثمان الاحمر، عقبه بن بشیر الاسدی، الکمیت بن زید الاسدی، امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۲۵۲، ح ۱۴۸۹۰).

این حدیث به دلیل مجهول بودن عقبه بن بشیر تضعیف شده است.

۳۶) علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، محمد بن ابی عمیر، عمرو بن ابی المقدم، امام صادق علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۴۸۸، ح ۱۵۰۷۵).

روایان این حدیث به جز ابوالمقدم از ثقات اند؛ هر چند ابوالمقدم نیز صاحب تصنیف بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۹۰)، اما تضعیف نشده است؛ پس حدیث می تواند صحیح دانسته شود.

۱-۲. بررسی وضعیت مضامین و سند

پس از روشن شدن وضعیت سندی روایات بر مبنای متأخرین، به بررسی نسبت مضامین اصلی و کلیدی روایات با وضعیت سندی آن می پردازیم تا روشن شود کدام مضامین فقط در روایات ضعیف آمده و کدام یک از مضامین روایات ضعیف، در روایات صحیح نیز به چشم می خورد.

(جدول ۲)

روایت	وضعیت سند	مضمون کلی
۱	ضعیف	ازدیاد علم امام در شب جمعه
۲	صحیح	مؤید و موفق بودن پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> به روح القدس و عدم لغزش و خطای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۳	صحیح	ارواح خمسه
۴	ضعیف	ارواح خمسه
۵	ضعیف	ارواح خمسه
۶	صحیح	همراهی روح من امر الرب با پیامبر و ائمه <small>علیهم السلام</small> - اخبار ایشان توسط این روح - تسدید ایشان توسط این روح - مخلوق و بزرگتر بودن این روح از جبرئیل و میکائیل
۷	موثق	همراهی روح من امر الرب با پیامبر و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۸	صحیح	همراهی روح من امر الرب با پیامبر و ائمه <small>علیهم السلام</small> - مخلوق و بزرگتر بودن این روح از جبرئیل و میکائیل
۹	صحیح	همراهی روح من امر الرب با پیامبر و ائمه <small>علیهم السلام</small> - تسدید ایشان توسط این روح - مخلوق و بزرگتر بودن این روح از جبرئیل و میکائیل - عدم همراهی این روح با پیامبران پیشین
۱۰	ضعیف	اعطای روح من امر الرب به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> - اعطای علم به واسطه این روح

روایت	وضعیت سند	مضمون کلی
۱۱	محل اختلاف	تمایز میان روح و جبرئیل
۱۲	ضعیف	تمایز میان روح و جبرئیل
۱۳	ضعیف	تمایز میان روح من امر الربّ و روح القدس - دمیده شدن روح من امر الربّ و روح القدس در پیامبر و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۴	موثق	القای علم به ائمه <small>علیهم السلام</small> توسط روح القدس در امر قضاوت
۱۵	ضعیف	القای علم به ائمه <small>علیهم السلام</small> توسط روح القدس در امر قضاوت
۱۶	ضعیف	القای علم به ائمه <small>علیهم السلام</small> توسط روح القدس در امر قضاوت
۱۷	ضعیف	مؤید بودن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به روح القدس از ابتدای خلقت
۱۸	صحیح	تأیید اهل ایمان به روح الایمان
۱۹	صحیح	تأیید اهل ایمان به روح الایمان
۲۰	مصحح	نهی مؤمن از گناه توسط روح الایمان - سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه
۲۱	ضعیف	مؤید بودن مؤمن به وسیله روح الایمان - سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه - تأیید روح الایمان توسط اهل بیت <small>علیهم السلام</small> با طاعت خدا
۲۲	موثق	سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه
۲۳	صحیح	سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه
۲۴	ضعیف	سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه
۲۵	ضعیف	ارواح خمسه
۲۶	مصحح	سلب روح الایمان از مؤمن به هنگام گناه
۲۷	ضعیف	القای مطلب به قلب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> توسط روح القدس
۲۸	ضعیف	القای مطلب به قلب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> توسط روح القدس
۲۹	صحیح	سلب روح الایمان از مؤمن در اثر غیرت نداشتن نسبت به نوامیس
۳۰	ضعیف	سقط شدن برخی انسان‌ها قبل از دمیدن روح و حیات و بقا به آن‌ها و دلالت بر عدم روح الحیات در نطفه‌ای که در اصلاب منتقل شده
۳۱	صحیح	دمیدن روح حیات و بقا به جنین در شکم مادر - وجود روح قدیم در جنین قبل از نفخ روح الحیات - نقل روح قدیم از طریق اصلاب
۳۲	مصحح	قضاوت روح القدس بین حضرت آدم و ابلیس در قبل از هبوط از بهشت
۳۳	ضعیف	سلب روح ایمان از مؤمن در اثر نوشیدن شراب و مست شدن - جایگزین شدن روحی سخیف، خبیث و ملعون در مؤمن
۳۴	مصحح	دمیده شدن روح العقل به جنین - وجود روح قدیم در جنین و تمایز آن با روح الحیات
۳۵	ضعیف	همراهی روح القدس با مدافعان اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۶	مصحح	خروج روح از بدن هنگام خواب

در یک برآورد کلی از این ۳۶ حدیث مذکور و بر اساس نظام اعتبارسنجی متأخرین به این نتایج می‌توان رسید:

(۱) ده حدیث آن صحیح و پنج حدیث مصحح است.

(۲) سه حدیث آن موثق است.

(۳) دوازده حدیث آن به دلیل ضعف برخی روایان یا مجهول بودن برخی، ضعیف است. ضعف این احادیث گرچه بر مبنای متأخران بوده است، ولی با ارزیابی محتوایی می‌توان دریافت که مضامین آن از متفردات روایان ضعیف و مجهول نیست؛ زیرا مضامین اصلی آن در احادیث صحیح و موثق پیش‌گفته تکرار شده است.

(۴) حدیث ۱۲ اگرچه ضعیف به دلیل ضعف و مجهول بودن روایان، ضعیف است، ولی با وجود سند صحیحی از همین روایت در *المحاسن* و غیرمنفرد بودن مضمون، می‌تواند تلقی به قبول شود.

(۵) با احتساب مطالب مذکور، تنها پنج حدیث از مجموع این ۳۵ حدیث باقی می‌ماند (احادیث ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۳۳ و ۳۵) که تضعیف شده و حاوی مطالبی هستند که نوعاً جدید و غیرتکراری‌اند. در میان این پنج حدیث، این مضامین را می‌توان منفرد دانست:

- تمایز میان روح من امر الرب و روح القدس (حدیث ۱۳)؛

- تأیید پیامبر و ائمه علیهم‌السلام به روح القدس در زمان خلقت نوری (حدیث ۱۷)؛

- تأیید روح الایمان توسط ائمه علیهم‌السلام به وسیله اطاعت خداوند (حدیث ۲۱)؛

- جایگزینی روح سخیفه ملعونه در انسان پس از خروج روح الایمان هنگام شرب خمر و مستی (حدیث ۳۳)؛

- تأیید حامیان ائمه علیهم‌السلام توسط روح القدس (حدیث ۳۵).

(۶) باید توجه داشت تمام آنچه گذشت، بر مبنای نظام اعتبارسنجی راوی محور بر مبنای متأخران است. این در حالی است که با پذیرش مبنای قرینه محور اعتبارسنجی در متقدمان و با تفکیک نقش طریقی یک روای از نقش استقلال او، پذیرش روایات دارای مضامین مشترک با روایات صحیح و روایات پذیرفته شده توسط جریان‌های معتبر و شناخته شده‌تر، ساده‌تر خواهد

۱. با توجه به واکاوی مفهوم ضعف نزد رجالیان متقدم، تنها روایات منفرد راوی ضعیف کنار گذاشته می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۸۶-۹۹).

بود (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷: ۸۶-۹۹).

۳. جریان شناسی راویان

چنانکه پیش تر آمد، روایات مرتبط با تعدد ارواح را می توان در پنج محور کلی دسته بندی کرد. در این بخش نخست به بررسی جریان های ناقل هر دسته از این روایات در دو مدرسه کوفه و قم و پرداخته شده و از این طریق نشان داده می شود که کدام مضامین تا حد زیادی توسط جریان های مختلف مورد قبول واقع شده اند.

۱-۳. روایات دال بر وجود ارواح خمسه

در الکافی، چهار روایت دال بر ارواح خمسه نقل شده است. از این تعداد، دو روایت از جابر بن یزید جعفی، یک روایت از مفضل بن عمر، یک روایت از اصبع بن نباته است. پس می توان نتیجه گرفت که در مدرسه کوفه، این روایات بیش تر از سوی متهمان به غلو نقل شده است، نه سایر محدثان.^۱ با وجود این، در مدرسه قم این روایات توسط جریان احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد خالد برقی و همراهان او تلقی به قبول شده است. در مورد این روایات چند نکته به چشم می خورد:

۱. در میان دو روایت جابر بن یزید، یک روایت توسط محمد بن یحیی از احمد بن محمد از حسین بن سعید نقل شده است. این روایت را صفار نیز در بصائر الدرجات نقل کرده است. حسین بن سعید این روایت را از حماد و او نیز از ابراهیم بن عمر نقل کرده است. با توجه به این که در طریق شیخ طوسی به کتاب ابراهیم همه راویان حدیث به جز محمد بن یحیی حضور داشته و حماد نیز در طریق نجاشی به این کتاب حضور دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۰)، به نظر می رسد منبع این روایت، کتاب ابراهیم بن عمر است. بنابراین می توان گفت که هر چند جابر تضعیف شده، اما این روایت او از سوی محدث متکلمان مدرسه قم و دو تن از ثقات محدث متکلم کوفه تلقی به قبول شده است.

۲. روایت دیگری که از جابر نقل شده، در مدرسه قم از سوی محمد بن یحیی از محمد بن احمد بن یحیی نقل شده است. با توجه به طریق نجاشی به نوادر جابر، به نظر می رسد بخشی

۱. برای مطالعه بیشتر درباره جریان های اندیشه ای - حدیثی امامیه در مدرسه کوفه (ر.ک: اقوام کرباسی، ۱۳۹۱: ۶۰-۴۴؛ گرامی، ۱۳۹۱).

از سند این روایت (محمد بن سنان از عمار بن مروان از منخل بن جلیل)، بیانگر طریق محمد بن یحیی به نوادر است (همان: ۱۲۹) و این روایت نیز از آن کتاب نقل شده است.

۳. روایت مفضل بن عمر نیز از طریق محمد بن سنان نقل شده است و مورد پذیرش صفار نیز قرار گرفته است (صفار، ۱۴۰۴ق: ۴۵۴) و از سه جریان اصلی محدثان قم این روایت توسط نسل‌های بعدی دو جریان علی بن ابراهیم و احمد بن محمد بن عیسی مورد قبول واقع شده است.

۴. روایت اصبع بن نباته از امیر مؤمنان، در الکافی به صورت مرفوعه و در بصائر الدرجات به صورت مسند نقل شده است (همان: ۴۴۹). در طریق این روایت نام متهمان به غلو به چشم نمی‌خورد. این روایت را کلینی از طریق عدة من اصحابنا از احمد برقی نقل می‌کند.

۵. بنابراین در مدرسه قم این روایات توسط سه جریان اصلی محدثان متکلم^۱ مورد قبول واقع شده است و متهمان به غلو در مدرسه قم در نقل این روایات حضوری چشمگیر ندارند.

۲-۳. روایات مرتبط با روح القدس

روایات روح القدس در مقایسه با روایات ارواح خمسه، از سوی طیف گسترده‌تری نقل شده است. در الکافی، حدود ده روایت در این باره وجود دارد. در مدرسه کوفه هشام بن سالم و حمران بن اعین از جریان متکلم محدثان، فضیل بن یسار، علی بن رئاب، عمر بن اذینه، خالد بن جریر، یحیی بن عمران حلبی و عمار بن موسی سبابی از جریان محدث متکلمان و محدثان و جابر بن یزید، مفضل بن عمر، عمر بن شمر و محمد بن سنان از خط متهمان به غلو، راوی این مضامین‌اند. در نسل بعدی نام ابن ابی عمیر از متکلم محدثان، حسن بن محبوب، نصر بن سويد و حسین بن سعید از خط محدثان و محدث متکلمان به چشم می‌خورد. سرانجام این روایات در مدرسه قم، توسط احمد بن محمد بن عیسی، علی بن ابراهیم، برقی و ابن ادریس قمی از خط محدث متکلمان و ابوسمینه از خط راویان متهم به غلو نقل شده است. به نظر می‌رسد سه کتاب یحیی بن عمران (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۵۰۱) یا نصر بن سويد (همان: ۴۸۱)، عمر بن اذینه (همان: ۳۲۴)، خالد بن جریر (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۵۰) از مهم‌ترین منابع مکتوب کلینی در این دسته روایات باشند.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره جریان‌های حدیثی - اندیشه‌ای امامیه در مدرسه قم (ر.ک: طالقانی، ۱۳۹۱: ۶۷-۸۷).

۳-۳. روایات مرتبط با روح من امر الرب

روایات مرتبط با روح من امر الرب نیز از سوی طیف گسترده‌ای از راویان نقل شده است. در عصر صادقین ابوحمزه ثمالی، ابوبصیر، یحیی بن عمران حلبی، عبدالله بن مسکان و علی بن رئاب از خط محدث متکلمان و محدثان از مهم‌ترین راویان این روایات‌اند. در نسل بعدی، ابن ابی عمیر، یونس بن عبد الرحمن و عیسی بن عبید از جریان متکلم محدثان و محمد بن فضیل، نصر بن سوید، علی بن اسباط و حسین بن سعید از خط محدث متکلمان خود را در مسیر نقل این روایات قرار داده‌اند. در مدرسه قم نیز علی بن ابراهیم، احمد بن محمد بن عیسی، محمد بن حسین ابی‌الخطاب و برقی این روایات را تلقی به قبول کرده‌اند و می‌توان گفت تقریباً از تمام جریان‌های مدرسه قم از ناقلان این روایات به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد ابوبصیر از حلقه‌های مشترک نقل این روایات است و کتاب یحیی بن عمران یا نصر بن سوید از مهم‌ترین منابع کلینی در این گروه روایات باشد.

۳-۴. روایات مرتبط با روح الایمان

تنوع راویان این گروه از احادیث قابل توجه است. از راویان عصر صادقین، نام ابوحمزه ثمالی، ابوبصیر، فضیل بن یسار، جمیل بن درّاج، عبدالله بن بکیر و معاویه بن عمار از خط محدثان و محدث متکلمان و یونس بن ظبیان از متهمان به غلو در شمار راویان این روایات به چشم می‌خورد؛ همچنین در نسل بعدی، ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمن و محمد بن عیسی بن عبید از خط متکلم محدثان و حماد بن عیسی، حسن بن علی بن فضال و حسن بن محبوب از طیف محدث متکلمان و محمد بن سنان از متهمان به غلو ناقلان این مضامین هستند. در مدرسه قم نیز این روایات توسط جریان احمد بن محمد بن عیسی، علی بن ابراهیم و برقی و نیز سهل بن زیاد از متهمان به غلو نقل شده است؛ همچنین با توجه به سند حدیث ۲۹ احتمال دارد اصل اسحاق بن جریر از منابع کلینی در این روایات باشد (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۹ و ۴۰).

۳-۵. روایات مرتبط با ارواح دوگانه برای انسان

سه روایت بر وجود ارواح دوگانه در انسان تصریح دارد و از دو روایت نیز می‌توان اشاراتی بر این مطلب دریافت. در عصر امام سجاد و صادقین، سعید بن مسیب از محدثان و زراره و

مؤمن الطاق از متکلم محدثان و نیز مفصل بن عمر ناقل این روایات هستند. در طبقه بعدی این روایات علی بن رئاب، ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب حضور دارند و حسن بن محبوب را می توان حلقه مشترک نقل سه روایت مهم این گروه دانست. در مدرسه قم نیز جریان علی بن ابراهیم و احمد بن محمد بن عیسی از طریق حسن بن محبوب راوی این احادیث اند. نکته قابل توجه آن است که روایتی که نطفه مخلقه و غیر مخلقه را توضیح می دهد، توسط احمد بن محمد بن عیسی و علی بن ابراهیم نقل شده است و این روایت در منابع متقدم فقط در الکافی وجود دارد؛ همچنین روایت زراره که دلالت بر وجود الروح القدیمة دارد، فقط در الکافی نقل شده است.

در جمع بندی جریان شناسی ناقلان این احادیث در الکافی، چند نکته به نظر می رسد:

۱. مضمون مشترک روایات مرتبط با تعدد ارواح انسان، از سوی محدثان متکلم، متکلمان محدث، محدثان صرف و متهمان غلو نقل شده است. محدث متکلمانی مثل هشام بن سالم، مؤمن طاق و زراره، احادیث روح القدس و روح من امر الرب و روح الایمان و ارواح دوگانه انسان را نقل کرده اند، اما هشام بن حکم در جریان نقل هیچ یک از این روایات قرار ندارد. از بین جریان هشام بن حکم نیز یونس بن عبدالرحمن و عیسی بن عبید تنها دو روایت را از روایات روح من امر ربی و روح الایمان نقل کرده اند. این در حالی است که هشام بن حکم، به وجود روح برای انسان اعتقاد دارد و به دو بعدی بودن انسان معتقد است.^۱

۲. از میان طبقه اول اصحاب اجماع (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۸)، در روایات مرتبط با روح القدس، نام ابوبصیر و فضیل بن یسار، در روایات مرتبط با روح من امر الرب نام ابوبصیر، در روایات مرتبط با روح الایمان نام ابوبصیر و فضیل بن یسار و در روایات مرتبط با ارواح دوگانه انسان، نام زراره بن اعین به چشم می خورد. از میان طبقه دوم اصحاب اجماع (همان: ۳۷۵) در روایات ارواح خمسه، حماد بن عیسی، در روایات مرتبط با روح من امر الرب نام عبدالله بن مسکان و در روایات مرتبط با روح الایمان نام جمیل بن ذراج، عبدالله بن بکیر و

۱. شاید بتوان گفت عدم نقل روایات گروه ۵ توسط جریان هشام بن حکم به آن برمی گردد که جریان هشام روایات عوالم پیشین را چندان نپذیرفته اند (ر.ک: منتظری، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۸) و عدم نقل روایات گروه ۱ و ۲ نیز به اندیشه آنان درباره انحصار منابع علم امام به علم وراثتی و نپذیرفتن علم الهامی باز می گردد (ر.ک: منتظری، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۴۳).

حمّاد بن عیسی به چشم می‌خورد. از طبقه سوم اصحاب اجماع (همان: ۵۵۶) در روایات مرتبط با روح القدس، نام ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب، در روایات مرتبط با روح من امر الرب، نام یونس بن عبد الرحمن و ابن ابی عمیر، در روایات مرتبط با روح الایمان، یونس بن عبد الرحمن، ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب و در روایات مرتبط با ارواح دوگانه انسان، نام حسن بن محبوب وجود دارد.

نتیجه گیری

بنا بر آنچه ذکر شد در *الکافی*، ۳۶ حدیث مرتبط با تعدد ارواح نقل شده است که این روایات را از جهت مضمون می‌توان در ۵ گروه اصلی دسته‌بندی کرد.

از این تعداد بر مبنای اعتبارسنجی متأخران، ۱۸ حدیث صحیح، مصحح یا موثق‌اند و ۱۸ حدیث به دلیل تضعیف راوی یا مجهول بودن در مجموع ضعیف‌اند.

از ۱۸ حدیث ضعیف، ۱۳ حدیث از جهت محتوایی مضامینی مشترک با احادیث صحیح دارند و بر پایه ارزیابی محتوایی و با توجه به مفهوم ضعف نزد متقدمان از احادیث غیر منفرد راویان ضعیف است که می‌توان بدان اعتماد کرد.

با جریان‌شناسی راویان نیز می‌توان دریافت تنها یک گروه از روایات یعنی روایات ارواح خمسه بیشتر از سوی متهمان به غلو در مدرسه کوفه نقل شده که این گروه نیز در مدرسه قم مورد قبول سه جریان اصلی محدثان متکلم واقع شده است و متهمان به غلو در مدرسه قم در نقل این روایات حضوری چشمگیر ندارند.

اما روایات ۴ گروه دیگر، وضعیت متفاوتی دارند. هم روایانی از هر سه طبقه اصحاب اجماع در نقل این روایات حضور دارند و هم روایان ثقه و قابل اعتماد متعددی از هر سه جریان محدثان متکلم، متکلمان محدث و محدثان صرف این روایات را نقل کرده‌اند. این خود نیز می‌تواند نشان دهد که مضمون اصلی روایات گروه نخست نیز منفرد نیست.

پس می‌توان گفت مضمون اصلی تعدد ارواح توسط جریان‌های اصلی و دارای اعتبار نقل حدیث در دو مدرسه کوفه و قم پذیرفته شده و در *الکافی* نیز انعکاس یافته است؛ از این رو، نقل روایات متهمان به غلو در این گروه از روایات، آسیبی به اعتبار این روایات وارد نمی‌کند.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، چاپ دوم، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل اَبی طالب*، چاپ اول، قم، نشر علامه.
۳. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (۲۰۰۵م)، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، تصحیح: هلموت ریتر، چاپ سوم، بیروت، مطبعة المتوسط.
۴. اقوام کرباسی، اکبر، (۱۳۹۱)، «مدرسه کلامی کوفه»، *فصلنامه نقد و نظر*، سال هفدهم، ش ۱، ص ۳۸-۶۵.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۶. تستری، محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین.
۷. حسینی شیرازی، سید علی رضا، (۱۳۹۷)، *اعتبارسنجی احادیث شیعه، زیرساخت‌ها، فرآیندها، پیامدها*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۸. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ق)، *رجال العلامة الحلّی*، چاپ دوم، نجف، دار الذخائر.
۹. خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیه.
۱۰. روحانی، محمد و ذاکری، مهدی، (۱۳۹۹)، «آموزه تعدد ارواح انسان در احادیث»، *معرفت کلامی*، سال یازدهم، ش ۲۵، ص ۷۳-۸۸.
۱۱. سبحانی، محمدتقی و نعیم آبادی، حسین، (۱۳۹۵)، «حقیقت ترکیبی انسان از روح و جسم، نظریه پردازی هشام بن حکم درباره حقیقت انسان»، *تحقیقات کلامی*، ش ۱۵، ص ۷-۲۶.
۱۲. صفّار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۳. طالقانی، سیدحسن، (۱۳۹۱)، «مدرسه کلامی قم»، *فصلنامه نقد و نظر*، سال هفدهم، ش ۱، ص ۶۶-۹۱.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. _____، (۱۴۰۹ق)، *إختیار معرفة الرجال*، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۱۶. _____، (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول*، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۱۸. گرامی، سیدمحمدهادی، (۱۳۹۱)، نخستین مناسبات فکری تشیع: بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله*، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۰. محمودی، حسین، (۱۳۹۴)، *بررسی تطبیقی مسأله حقیقت نفس انسان در مدرسه کوفه و بغداد*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۱. منتظری، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *بررسی تطبیقی مسأله علم و معرفت در مدرسه کوفه و بغداد*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۲. منتظری، محمدحسین، (۱۳۹۲)، «امامت از دیدگاه اندیشمندان امامیه در مدرسه کوفه»، *امامت پژوهی*، ش ۱۰، ص ۱۲۱-۱۵۴.
۲۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، *الفهرست*، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین.